خبر

زندگی طبیعی هیرکان در پارک ملی گلستان

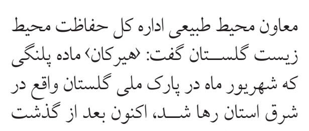

معاون محیط طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان گفت: «هیرکان» ماده پلنگی که شهریور ماه در پارک ملی گلستان واقع در شرق استان رها شد، اکنون بعد از گذشت ۵ ماه زندگی طبیعی خود را طی می کند. به گزارش ایرنا «هیرکان» ظهر سه شنبه دوم شهریور با حضور معصومه ابتکار معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و مسئولان استان گلستان در پارک ملی گلستان رها شد.

هیرکان از جمله توله پلنگ هایی است که بیش از ۲ سال قبل تحویل اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان شدند و بعدها نام شان در شناسنامه «ورکان و هیرکان» ثبت شد.

ماده پلنگی که امسال درپارک ملی گلستان آزاد شد، اکنون با چشیدن طعم آزادی و زندگی در طبیعت براساس آخرین داده های ارسالی از فرستنده ماهواره ای، مساحتی بالغ بر ده هزار هکتار از زیستگاه های دشتی، تپه ماهوری، جنگلی وصخره ای پارک ملی گلستان را به عنوان مامن پذیرفته و با زیرکی توانسته تمامی سختی های طبیعت بکر پارک ملی را پشت سر بگذارد.براساس اعلام روز یکشنبه محیط زیست گلستان ،مجتبی حسینی در این زمینه گفت که هیرکان توانسته با پذیرش مامن جدید خود را با محیط طبیعی و جدید وفق دهد و هوش و ذکاوت خود را به عنوان یک گربه سان به اثبات برساند.وی اضافه کرد: در ابتدا محیط زیست نیز رها سازی هیرکان را بدون خطر تصور نکرده بود ،اما اکنون این ماده پلنگ زندگی طبیعی خود را داشته و تنها خطراتی شامل حال او بوده که ممکن است سایر پلنگ های پارک ملی گلستان را تهدید کند.

حسینی ادامه داد: ما به همان اندازه که نگران سایر زیستمندان در محیط طبیعی آنها هستیم ،برای هیرکان هم نگرانیم، اما مهمترین نگرانی با توجه به جمعیت مطلوب پلنگ درپارک ملی گلستان رقابت بین گونه ها بوده که ممکن است به منازعه و درگیری منجر شود.

معاون حفاظت محیط زیست گلستان افزود با شناسایی زیستگاه مناسب به رها سازی ورکان نیز می اندیشیم تا این پلنگ نر هم درمحیط طبیعی زندگی خود را ادامه دهد.

پلنگ ماده به دلیل مهارت بیشتر در شکار و آمادگی برای زندگی مستقل ابتدا در زیستگاه رهاسازی شد و توسط گردن بند ردیابی که به گردنش متصل است، پایش می شود.

سه روستای مراوه تپه به عنوان پایلوت اشتغال و کارآفرینی معرفی شد

فرماندار مراوه تپه اعلام کرد: براساس برنامه ریزی های صورت گرفته، سه روستای این شهرستان به عنوان پایلوت اشتغال وکارآفرینی معرفی شد. به گزارش روز یکشنبه ایرنا به نقل از روابط عمومی فرمانداری مراوه تپه، اسمعیل تاجی در جلسه رفع موانع اشتغال و کارآفرینی در روستای فرخسر افزود: سه روستای شهرستان مراوه تپه شامل فرخسر به عنوان پایلوت پرورش شتر، روستای یازگلدی به عنوان پایلوت سبزیکاری و توسعه صیفی جات و روستای گوگدره نیز به عنوان پایلوت پرورش طیور و ماکیان بخصوص بوقلمون تعیین و معرفی شده است.

وی گفت: با توجه به سیاست های حمایتی دولت تدبیر و امید از روستاییان و عشایر ، جوانان علاقه مند به اشتغال و کار آفرینی در روستاهای پایلوت همچنین سایرروستاها و شهرمراوه تپه، می توانند برای اجرای طرح و پروژه خود به صندوق کارآفرینی امید این شهرستان مراجعه و از تسهیلات کم بهره برخوردار شوند.بر اساس این گزارش، این جلسه به منظور رفع موانع اشتغال و کارآفرینی در روستای فرخسر از توابع بخش مرکزی مراوه تپه با حضور فرماندار، فرمانده سپاه ، مدیر جهاد کشاورزی و رئیس صندوق کارآفرینی امید این شهرستان برگزار شده بود.شهرستان مراوه تپه با بیش از ۶۰هزار نفر جمعیت در منتهی الیه شرق استان گلستان واقع است.

گلشن مهر
روزنامه
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

۸۰۰۰ متر دام هوایی در بندر ترکمن و گمیشان جمع آوری شد

بندر ترکمن – مدیر حفاظت محیط‌زیست بندر ترکمن و گمیشان از جمع‌آوری هشت هزار متر دام هوایی در این دو شهر خبر داد.علی بیانی در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: دام‌های هوایی وزنده گیری صید پرندگان در استان گلستان مرسوم نبوده و این شیوه صید از نوار ساحلی مازندران به گلستان منتقل‌شده است.وی افزود: در این شیوه، تورهایی به طول ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر و با ارتفاع بین ۶ تا ۱۰ متر در مسیر پرندگان در شب برپا می‌شود.مدیر حفاظت محیط‌زیست بندر ترکمن و گمیشان ادامه داد: شامگاه شنبه ۱۰ رشته از این تورها جمع‌آوری و حدود ۲۵ پرنده رهاسازی شدند.وی تصریح کرد: این دام‌ها برای شکار پرنده‌های خشکی زی به‌ویژه کُکِر که از شهریورماه به استان وارد می‌شوند در زمین‌های زراعی کشاورزی پهن می‌شوند. بیانی خاطرنشان کرد: صیادان با شناسایی مکان خواب پرندگان دام‌ها را پهن کرده و در شب به‌ویژه شب‌های مه‌آلود با ایجاد سروصدا پرندگان را پرواز می‌دهند و به دلیل دید کم پرنده‌ها در دام می‌افتند.وی بابیان اینکه این دام‌ها در مسیرهای تالابی گمیشان برای زنده گیری فلامینگو، مرغابی، چنگر و دیگر پرندگان آبزی برپا می‌شود، اضافه کرد: این شیوه جدید در گلستان به‌شدت حیات‌وحش خشکی زی و تالابی استان را تهدید می‌کند.بیانی با یادآوری اینکه به دلیل بیکاری و وضعیت معیشتی به‌ویژه در گمیشان این شیوه به دام انداختن پرندگان بسیار متداول شده و به‌عنوان شغل برای عده‌ای محسوب می‌شود، بیان کرد: از شهریورماه تاکنون هشت هزار متر دام هوایی در بندر ترکمن و گمیشان جمع‌آوری‌شده و عده‌ای نیز دستگیر و به مراجع قضایی تحویل‌شده‌اند.مدیر حفاظت محیط‌زیست بندر ترکمن و گمیشان یادآور شد: تا پایان دی‌ماه کوچ پرندگان در استان به پایان می‌رسد و امیدواریم شاهد برپایی این دام‌ها در مسیر پرندگان نباشیم چون به دلیل تلاش پرنده برای رهایی از دام شاهد آسیب‌دیدگی و تلفات بالا در این شیوه هستیم.

پرداخت بدهی کارگران شهرداری گرگان

پرداخت حقوق معوقه کارگران شهرداری و حمایت شورا از تیم بسکتبال شهرداری گرگان، مهم‌ترین مواردی بود که در صحن علنی شورای اسلامی شهر گرگان مطرح شد.به گزارش خبرنگار مهر، سیصد و سی نهمین جلسه علنی شورای شهر گرگان شامگاه شنبه با حضور ۱۱ عضو این پارلمان محلی برگزار شد.رئیس شورای اسلامی شهر گرگان در ابتدای جلسه اعلام کرد که نطق پیش از دستور به هفته آینده موکول خواهد شد.عده‌ای از کارگرانی که حدود ۱۰ ماه حقوق معوقه داشتند در شورای اسلامی شهر گرگان حاضر شدند تامطالبات خودراپیگیری کنند.علیرضا پزشکپور یکی از اعضای شورای اسلامی شهر گرگان در خصوص مطالبات کارگران گفت: قرار بود پیمانکار سه پروژه زیرگذر دخانیات و روگذرهای شهید حاجی حتم لو و چهارهزار شهید استان، ۵۰ درصد مبلغ را به صورت نقد و ۵۰ درصد دیگر را به صورت تهاتر دریافت کند.

مشکل تیم بسکتبال شهرداری گرگان در پست گارد راس است

در ادامه این جلسه عضو کمیسیون فرهنگی ورزشی شورای اسلامی شهر گرگان به صحبت در خصوص تیم بسکتبال شهرداری گرگان پرداخت.اسدالله کبیر گفت: در این مدت عده‌ای با مصاحبه‌های مختلف شورای شهر را متهم به کوتاهی در کمک به تیم بسکتبال شهرداری گرگان کرده‌اند. وی افزود: همواره هر گونه مصوبه‌ای از طرف شهرداری گرگان برای کمک به تیم بسکتبال به شورای شهر آمده، تصویب شده است.کبیر تصریح کرد: بودجه تیم بسکتبال شهرداری گرگان در سازمان فرهنگی ورزشی تعیین و در شورای شهر بررسی می‌شود و در دو سال گذشته بودجه اولیه تیم یک میلیارد تومان بوده است.وی ادامه داد: شهردار گرگان در ابتدا عنوان کرده بود که امسال نمی‌خواهیم پولی به بازیکنان خارجی بدهیم و به جای آن پول را به بازیکنان ایرانی می‌دهیم، اما در نهایت لایحه برای جذب بازیکن خارجی ارائه و در شورا تصویب شد.سرمربی سابق تیم بسکتبال شهرداری گرگان خاطرنشان کرد: در انتخاب بازیکنان تیم بسکتبال شهرداری گرگان فقط کادر فنی این تیم و سازمان فرهنگی ورزشی نقش داشته‌اند و لطفا دوستان توپ را در زمین شورای شهر نیاندازند.کبیر بیان کرد: شورای شهر وظیفه خود نسب به ورزش نخست گرگان را انجام داده و با تصویب لایحه از تیم بسکتبال شهرداری گرگان حمایت کرده است.وی با اشاره به دو بازیکن خارجی حال حاضر تیم بسکتبال شهرداری گرگان گفت: بهتر است روی این بازیکنان بازنگری انجام شود، به عقیده من به عنوان یک کارشناس بسکتبال، تیم شهرداری در گارد راس مشکل داشته و شورا آمادگی لازم برای حمایت از بسکتبال و جذب بازیکن خارجی با کیفیت در پست گارد راس را دارد.کبیر یادآور شد: از تماشاگران می‌خواهم تا کادر فنی تیم بسکتبال شهرداری گرگان را حمایت کنند، البته به عقیده من کادر فنی تیم نیاز به مشاوره دارد.یدمحمد قدس مفیدی رئیس شورای اسلامی شهر گرگان نیز در خصوص شرایط تیم بسکتبال شهرداری گرگان اظهار کرد: مدیریت و کادر فنی تیم بسکتبال شهرداری گرگان در دو سال اخیر که تغییر کرده است.وی افزود: در سال گذشته قبول داریم که تیم در آخرین لحظه و با شرایطی خاص بسته شد، اما امسال شرایط لازم برای تیم مهیا بود.وی افزود: ۵۰ درصد نقدی به پیمانکار مربوطه پرداخت شده و بر اساس لایحه شهرداری از ۵۰ درصد تهاتر باقی مانده، پنج درصد آن به صورت نقدی به پیمانکار پرداخت شود تا کارگران به حقوق معوقه خود برسند.علی کلاتی یکی دیگر از اعضای شورای اسلامی گرگان نیز اظهار کرد: نگرانی من این است که با تصویب این لایحه، مبلغی دست کارگران را نگیرد.وی افزود: سال گذشته هم قول‌هایی داده شد، اما وقتی شهردار در صحن علنی شورای شهر برای دفاع از لایحه خود حاضر نشده، نشان می‌دهد احترامی قائل نیست.محمدرضا سبطی نیز در خصوص این لایحه خاطرنشان کرد: طبق ماده ۱۸، مشاور پروژه باید به پیمانکار اخطار بدهد و این یعنی طرف حساب ما مشاور است.وی ادامه داد: بر اساس قانون وقتی یک ماه از حقوق پرداخت نشود، قرارداد باید فسخ شود و این در حالی بوده که ۱۰ ماه از آن زمان گذشته و مشاور باید پاسخگو باشد.

رئیس نظام مهندسی گلستان:

فرایند برخی از ساخت‌وسازها در گلستان طبق اصول مهندسی نیست

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان گفت: بخش زیادی از ساخت و سازها در فرآیند مهندسی نیست و حجم بسیار زیادی از ساخت و سازها به دلایل مختلفی توسط افراد غیر متخصص انجام می شود.حوزه ساخت و ساز از بخش های مهم کشور است و علاوه بر تاثیر مثبت در روند اقتصاد با سلامت اجتماعی و زیست شهروندان هم در ارتباط است. مساله ای که این روزها بیش از گذشته مورد توجه کارشناسان قرار گرفته و آن ها معتقدند در صورتی که برنامه ریزی های حوزه ساختمان و شهرسازی منطبق بر اصول به روز مهندسی نباشد، نه تنها رفاه حال شهروندان را به دنبال ندارد بلکه سلامت آن ها را هم به خطر خواهد انداخت.در کنار این موارد همواره رونق ساخت و ساز با رونق بازار و افزایش سرمایه در گردش واحدهای تولیدی و تجاری همراه بوده و این مساله در سال های گذشته که با کاهش ساخت و ساز رو به رو هستیم، بیش از پیش به چشم می خورد. زیرا بسیاری از واحدهای تولیدی و تجاری از این مساله گله دارند. ایمنی ساختمان و جان انسان ها، سلامت جامعه و حفظ محیط زیست، بهبود وضعیت اقتصاد و در کنار همه آن ها تاثیرات مستقیم وغیر مستقیم فرهنگی ما را بر آن داشت تا گفتگویی با احمد تجری، رئیس جدید سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان داشته باشیم تا از برنامه های این سازمان در دوره مدیریت جدید برای بهبود وضعیت فعلی با خبر شویم.

*** اصلی ترین برنامه شما و نظام مهندسی در دوره جدید چیست؟** اصلی ترین وظیفه سازمان نظام مهندسی اجرای مقررات ملی ساختمان و مشخص ترین دغدغه سازمان نظام مهندسی ساختمان اجرای این مقررات است. در واقع تلاش می کنیم ساخت و ساز علمی و طبق مقررات و قوانین و توسط افراد متخصص انجام شود. نقش اصلی ما همین بوده و این موضوع در همه دوره ها مورد توجه است البته با روش های مختلف و با برنامه ریزی و اولویت بندی مورد نیاز.

*** به نظر شما چقدر شاهد ساخت و ساز مهندسی در گلستان هستیم؟** با وجود این که نزدیک به دو دهه از شکل گیری سازمان نظام مهندسی ساختمان و ابلاغ و تصویب قانون آن می گذرد اما حجم بسیار زیادی از ساخت و سازها در حوزه مسکن بنا به دلایل مختلفی توسط افراد غیر متخصص انجام می شود. در واقع می بینیم فرآیندی که در ساختمان سازی طی می شود مهندسی نبوده و از مجرای فنی عبور نمی کند. باید بدانیم لازم است کل فرآیند ساخت و ساز در حوزه نظام مهندسی قرار بگیرد.اگر بررسی منطقی و معقولانه و عادلانه داشته باشیم مشاهده می شود میانگین ایمنی ساختمان هایی که در دوران وجود سازمان نظام مهندسی شکل گرفته، ارتقاء پیدا کرده است. سازمان نظام مهندسی استان گلستان سازمان پیشرویی در اجرای مقررات ملی بوده است و این افتخار بزرگی است اما هنوز بخشی از ساختمان سازی ها خارج از فرآیند مظام مهندسی ساخته می شود.

*** چه عواقبی برای ساختمان هایی که مهندسی ساخته نشود وجود دارد؟** وقتی ساختمان ها بدون طراح و ناظر و بدون عوامل مهندسی ساخته می شود دچار ایراد خواهد بود و این موضوع می تواند در حوادث غیر مترقبه مشکلاتی را به وجود آورد چرا که وقتی ساختمان ها برابر ضوابط مهندسی ساخته و نظارت نشده باشد میزان آسیب پذیری آن بالا می رود. نمونه های مختلفی در زلزله ها و سیل های اخیر وجود دارد که نشان می دهد میزان تخریب ساختمان های غیر فنی و بدون مجوز نظام مهندسی ساختمان زیادتر بوده است.

*** این مساله چگونه قابل اصلاح شدن است تا همه ساخت و سازها شکل مهندسی به خود بگیرد؟** ابتدا دستگاه های مرتبط مثل شهرداری، راه و شهرسازی، استانداری در یک فرآیند کاملا هماهنگ که ظرفیت های قانونی آن هم دیده شده است تعامل داشته باشند. مسیری را تعریف و طی کنیم که تمامی ساخت و سازها در مسیر مهندسی خودش طی شود. هماهنگی های فرا بخشی نیاز دارد و ما هم در سازمان نظام مهندسی در تلاش هستیم که بتوانیم این بخش را اصلاح کنیم. وقتی چنین اتفاقی بیافتد آن وقت ساخت و سازها در ماده ۱۰۰ را نخواهیم داشت. قسمت دیگر هم که کاملا درون سازمانی است و در آن بخش حضور ناظران و مجریان ما با توجه به شرح وظایف، باید پویا، فعال و حرفه ای شود.

*** در حال حاضر حضور ناظران چگونه است؟**

با توجه به این که در قانون نظارت، حضور ناظرین تمام وقت نیست و به صورت مرحله ایی است یعنی ناظر در تمام زمان ساخت و ساز حضور ندارد. بنابراین مسئولیت و انتظاری که برابر قانون از ناظرین وجود دارد با حق الزحمه پیش بینی شده، ناچیز و مغایر است که باید تلاش کنیم این دو موضوع را به هم نزدیک کنیم تا بتوانیم خدمات گسترده تری را در حوزه ساخت و ساز به سازندگان ارایه دهیم.اعتقاد دارم اگر خدمات مهندسی فراگیر باشد و توسعه پیدا کند باید در فرآیندهای ارایه خدمات با استفاده از تجربیات گذشته و برنامه ریزی و بررسی، مسیرها سهل تر و سریع تر باشد. تلاش داریم اصلاحاتی را در فرآیند خدمات ایجاد نماییم که هم برای مهندسین و هم برای مردم استان بتوانیم مسیر را با سرعت بالایی اصلاح کنیم.

آگهی مزایده عمومی

شهرداری گرگان با استناد به ماده ۳۰ آیین نامه معاملات شهرداری و مصوبه شماره ۹۱/۶۲۰۳۳/۳ ـ ۹۱/۱۱/۲۳ شورای اسلامی شهر گرگان در نظر دارد محوطه گردشگری و پذیرایی ضلع غرب میدان ناهارخوران(بهشت هیرکان) را بر اساس نقشه پیوست و پایه قیمت کارشناسی برای سال اول ماهیانه به مبلغ ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، سال دوم ماهیانه به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال و سال سوم ماهیانه به مبلغ ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار نماید. لذا متقاضیان می توانند از تاریخ ۹۵/۱۰/۲۷ لغایت ۹۵/۱۱/۹ به امور قراردادهای شهرداری به آدرس گرگان ـ میدان شهرداری ـ شهرداری گرگان ـ طبقه سوم و یا به سایت شهرداری گرگان به آدرس اینترنتی WWW.GORGAN.IR مراجعه و اسناد مزایده را دریافت و در مدت زمان تعیین شده نسبت به ارائه تضمین شرکت در مزایده در پاکت الف، مدارک شناسایی شامل کپی کارت ملی و کپی شناسنامه برای اشخاص حقیقی و نیز اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات شرکت برای اشخاص حقوقی و همچنین ارائه گزارش تراز بانکی به نام شرکت یا شخص شرکت کننده در مزایده از ابتدای سال ۹۵ تا پایان مدت برگزاری مزایده در پاکت ب و پیشنهاد قیمت در پاکت ج به صورت کتبی در پاکت لاک و مهر شده به واحد دبیرخانه شهرداری به آدرس: گرگان ـ میدان شهرداری ـ شهرداری گرگان اقدام نمایند.

حسین صادقلو ـ شهردار گرگان تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین به مساحت ۱۰۵مترمربع دارای پلاک ۱۰۸۸۴ فرعی از ۳ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان ملکی فاطمه صادقیان فرزند محمد راس ساعت ۱۰/۳۰ صبح روز دوشنبه ۱۳۹۵/۱۱/۱۸ در محل وقوع ملک واقع درگرگان کاشانی ۲۴ انتهای کوچه بعمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه برآن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۶۶۸۹ م الف

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۶۵۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۹ در کلاسه پرونده ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۴۳۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم سونیا صباغی فرزند جابر بشماره شناسنامه ۸۴۷ کد ملی ۲۲۴۹۲۲۰۱۶۶ صادره کردکوی در ششدانگ اعیانی بانضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه آن وقف عام است به مساحت ۸۳۲/۶۵ متر مربع پلاک باقیمانده ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ ثبت ملک کردکوی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و بعد از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

رحمت خداداد – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کردکوی

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۰/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۱۱

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

۲۰۰ نفر در برف و کولاک محورهای گلستان امدادرسانی شدند

معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر گلستان از امدادرسانی به ۲۰۰ نفر در محورهای برفی استان گلستان خبر داد.علی‌رضا صیاد در گفتگو با خبرنگار مهر در رابطه با عملیات امداد و نجات در محورهای برفی تو سکستان، خوش ییلاق و شش آب اظهار کرد: از ساعت ۱۳ و ۵۰ دقیقه روز گذشته (شنبه) به ۲۰۰ نفر به صورت رهاسازی خودرو امدادرسانی شده و همچنان امدادرسانی ادامه دارد.وی افزود: در این عملیات ۹ تیم امدادی در قالب ۱۸ نجاتگر به امدادرسانی پرداختند.معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر گلستان از به‌کارگیری ۹ آمبولانس در این عملیات خبر داد و گفت: ۵۱ قوطی کنسرو در بین افراد نیازمند به امدادرسانی توزیع‌شده است.گفتنی با کاهش دمای هوا در گلستان محورهای کوهستانی استان شاهد بارش برف و کولاک بود.

رئیس کل دادگستری گلستان:

فضای فیزیکی دادسرای گنبد افزایش می‌یابد

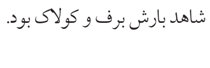

رئیس کل دادگستری استان گلستان از افزایش فضای فیزیکی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان گنبدکاووس خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری کل استان گلستان، هادی هاشمیان که در صدر هیئتی از معاونان خود به حوزه قضایی گنبدکاووس سفر کرده بود، اظهار کرد: گنبد دومین شهر پر پرونده استان گلستان است و کمبود فضای اداری در دادسرای این شهرستان با توجه به حجم مراجعین و پرونده‌ها، کار را برای قضات و کارمندان مشکل کرده بود که به همین منظور تا آخر امسال به فضای فیزیکی ساختمان دادسرا اضافه می‌شود.وی به آمار بالای پرونده‌های ورودی شهرستان گنبدکاووس به محاکم استان اشاره و تصریح کرد: با کمک و همفکری علما، برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و کاهش پرونده‌های ورودی به محاکم باید تلاش شود و البته از حضور علما برای فعال کردن هسته‌های صلح و سازش در پرونده‌های خاص هم می‌توان بهره برد.

رئیس کل دادگستری گلستان با تاکید بر این که سرعت دادرسی و رسیدگی عادلانه همچنان مهم‌ترین خواسته مردم و اولویت دادگستری‌های استان است، خاطرنشان کرد: آسیب شناسی آرای نقض شده دادگاه‌های بدوی استان در محاکم تجدید نظر، برگزاری دوره‌های آموزشی تکنیک‌های دادرسی به منظور تشکیل پرونده‌هایی با مدارک و شواهد قابل استناد در محاکم، فراگیر کردن استفاده از سیستم مدیریت پرونده‌های قضایی و راه اندازی سامانه ابلاغ الکترونیک اوراق قضایی از جمله تلاش‌های دادگستری گلستان برای کاهش فرآیند دادرسی در استان است. هاشمیان ادامه داد: ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری و مدنی و تعیین تکلیف پرونده‌هایی که از سال ۹۲ و قبل از آن در شعب مانده‌اند از دیگر برنامه‌های دارای اولویت در حوزه‌های قضایی استان است.

رئیس سازمان برنامه و بودجه استان گلستان:

٦٤ پروژه در گلستان آماده واگذاری به بخش خصوصی است

رئیس سازمان برنامه و بودجه استان گلستان گفت: ٦٤ پروژه در استان گلستان آماده واگذاری به بخش خصوصی است.به گزارش خبرنگار مهر، حسین پیش‌قدم عصر یکشنبه در ششمین جلسه کارگروه امور اقتصادی که با حضور فرمانداران شهرستان‌های استان گلستان برگزار شد، گفت: ٦٤ پروژه در سطح استان گلستان در حال واگذاری بوده و تاکنون حدود پنج طرح واگذار شده است.وی با بیان اینکه برای تعاونی‌ها باید پروژه‌هایی هدفمند تعریف شود، افزود: می‌توانیم با برنامه‌ریزی هدفمند به دست آوردهایی در این زمینه دست پیدا کنیم.رئیس سازمان برنامه و بودجه استان گلستان گفت: پروژه‌های قابل واگذاری استانداری درسایت برنامه و بودجه استان شناسایی شده‌اند و اقدامات قانونی برای اجرای طرح‌ها مشخص‌شده و دولت در واگذاری کامل این طرح‌ها به بخش خصوصی هیچ مشکلی ندارد.

بانگاهی به جوهروصیرورت تاریخ شیعه در تحولات معاصر

تروریزم فرهنگی و فقه سیاسی

حسین پایین محلی

چندی پیش به طور اتفاقی فیلمی از استاد میرباقری بانام مسافر ری ازتلوزیون شبکه نمایش پخش شد.فیلمی که هم به زندگی حضرت عبدالعظیم پرداخت وهم بازبان هنر نشان داد که شیعه اهل مبارزه است وانتظار وخمودگی وتسلیم وناامیدی و وادادگی درشیعه راه ندارد.اما این مبارزه به مانند دوسر کمان است که ازتانژانت تا کتانژانت راشامل میشود. به عبارتی هم مبارزه وهم انتظاروتقیه.ومبارزه هم شامل کارفرهنگی است وهم جهاد باشمشیر.بانگاهی به تاریخ اسلام میبینیم که اسلام وشیعه عموما نگاه فرهنگی دارند واین ظرفیتی بزرگ تاریخی است که درخود دارند اما بعد مبارزه عملی ازجنس فیزیکی وجهاد اصغرکه در فروع دین قیدشده راهم نباید نادیده گرفت.این جهاد درطول تاریخ اسلام هم باکفاربوده وهم درون تمدنی.وبااین نگاه میبینیم که امامان شیعه اهل گفتگو وگفتمان سازی بودند ودرعین حال دستی هم برقبضه شمشیر داشتند که اگر حریم دین توسط عده ای مزدور زیرسوال رود برخود قاطع کنند. اسلام درگذرزمان به واسطه به روز بودن ودین زنده بودن درتاریخ توانسته به حیات خود ادامه بدهد وشیعه به عنوان مذهبی زنده–تعبیرکربنی–که قائل به سیاست مدن هست وبرای نظم اجتماعی برنامه دارد باداشتن مفاهیمی چون انتظارمهدویت تولی وتبری و...امروز پس از قرنها در سیستم سیاسی جمهوری اسلامی به منصه ظهور رسیده استوغرب به عنوان تمدن هژمون که از دوران روشنگری تاکنون تلاش داشته اداره جهان را دردست بگیرد به عنوان آلترنانیو به مانگاه میکند وازآنجایی که جنگ تنها به صور سخت–فیزیکی–خلاصه نمیشود شاهد رویارویی درحوزه نیمه سخت–اقتصادی–ونرم با اسلام عموما وجمهوری اسلامی ایران خصوصا هستیم.پیشتر درچند نوشتاردیگر عنوان شد که خروجی تمدنهارابابد درهنر جست وازسویی قرن بیستم راقرن ادبیات وقرن بیست ویکم راعصر رسانه وسینمانامیده اند لذا غرب بااستفاده از تمام ظرفیتهای تاریخی که بشر داشته امروز درصدد ضربه زدن وهضم واستحاله تاریخ ما درخود است. به عبارتی مدرنیته ماهیتا درصدد تصرف درطبیعت وتاریخ واستیلای بران است واین خاصیت ذاتی سوبژکتیویتیسم دکارتی وعقلانیت کاسموسانتریک یونانی است. که ماهیت پدیده هارا در راستای حرکت نیهیلیستیکی خود تغییرمی دهد وبه ابزار تقلیل می دهد لذابسیاری ازمفاهیم باورود به فرهنگ وتاریخ غربی ازکارکرد اصلی خود دور میشوند وفاقد تاثیرگذاری می شوند که درماهیت آنها شاهد بودیم.

رسانه به عنوان ظرفیت خاصی که عموم مردم رامخاطب قرار داده وسینمابه عنوان هنر ترکیبی این امکان را دراختیارغرب قرارداده که جهان را به تصویر تنزل دهد وبشر را بصری کند که همه چیز را باید حس کند وببیند ولذت ببرد ویک نگاه مصرفی به هستی داشته باشد واین همانگونه که گفته شد خاصیت تفکر مدرن است.غرب درجنگ سرد با شوروی باطراحی ناتوی فرهنگی توانست شرق رازمین بزند وامروز با رسانه جهان رابه دهکده تبدیل کرده لذامرزهای فرهنگی رابرداشته ودراین میان حضور تاریخی غربزدگان ولیبرالهای وطنی درتاریخ ما به عنوان اپوزسیون درحوزه فرهنگی فرصتی رافراروی آنان قرارداده تا بدنه اجتماعی خودرافربه کنند وبه فروپاشی اجتماعی و گسست فرهنگی وتاریخی درجامعه ما بپردازند. دراین تقابل تاریخی که غرب ازتمامی ظرفیتهای تاریخی خویش وبشر استفاده می کند بجا و ضروری است که ما نیز به جهاد فرهنگی وفرهنگ جهادی بپردازیم.جهاد فرهنگی یعنی این که جهاد را اولا درحوزه صرف جهاد اصغرنبینیم ودرحوزه فرهنگی نیز تلاش کنیم.فرهنگ جهادی نیز یعنی به کارجهادی به عنوان یک بینش حاکم برزندگی فردی واجتماعی بنگریم.تفکرجهادی چنانکه اشاره شد از قبضه شمشیر(اسلحه)تا کارفرهنگی راشامل می شود.ودراین میان نقش فقه سیاسی یا فقها بسیار مهم است وتاثیرگذار. فقه شیعه به عنوان فقه پویا وفقه سیاسی به عنوان مدافع از تمامیت تاریخی اسلام وتشیع باید بیدارباشد تا اگر حریم فرهنگی ما توسط ویروسهای غربی وباکتربهای غربزدگان وطنی ولیبرالهای وطنی مورد تعرض قرارگرفت دراشکال گوناگون به دفاع وحمله بپردازند.

تاریخ پویای شیعه که همواره همراه بوده بافرازونشیبهایی همراه بوده باحضور فقهای بیدار دربرابر دشمنان داخلی وخارجی اعم از نظام سلطه تا استبداد داخلی ومنافقان ومنحرفان والتقاط گرایانثابت کرده است که روحانیت آگاه وفقهای بیدار پیش رو در دفاع از تمامیت جغرافیایی وفرهنگی وتاریخی بوده اند.مرحوم شریعتی با اینکه منتقد روحانیت سنتی بود منصفانه ازاین پاسداری سنگرهای فرهنگی وتاریخی روحانیت دفاع کرده.بانگاهی به تاریخ تحولات معاصر میبینیم روحانیت چشم بیدار تاریخ وجامعه مابوده.از تقابل مرجعیت شیعه باانگلیس توسط آیت ا...حائری شیرازی وتحریم تنباکوحضورفعالانه سیدجمال درکشورهای اسلامی جهت بیداری اسلامی وتحقق وحدت اسلامیرهبری انقلاب مشروطه واستعمارستیزی شیخ شهید شیخ فضل ا...نوری تا تقابل میرزاکوچک خان بااستبداد واستعماراز همراهی با ستارخان وباقرخان تا قیام محمد خیابانیاز استبداد ستیزی مدرس تا حمایت آیت ا...کاشانی از دولت ملیولیست بلندی از حضور تاریخی فقها وفقه سیاسی وغیبت روشنفکران ودران سو حضور قوی غربزدگان وطنی در نهادینه کردن تفکر غربی وتثبیت سلطه چون ملکم خان فروغی احمد کسرویتقی زاده حلقه های ماسونی وبهاییت و...وباز حضور جریانات عملگرای اسلامی چون فداییان اسلام وروحانیت ازخود گذشته ای چون شهید نواب صفوی که در راستای دفاع از دین دربرابر فردی چون احمد کسروی که باحمایت همه جانبه غرب وسیستم پهلوی همراه بود ایستاد وبه جهاد پرداخت.امروز فقه سیاسی بیدارچون گذشته است وبا حکم ارتداد شاهین نجفی ثابت کرد این انگاره که دین با ایدئولوژیک شدن فقه سیاسی راتبدیل به سیاست فقهی مصلحت انگارانه میکند قطعیت ندارد اگرچه ممکن است بی تاثیراز ساختارگرایی سیاسی هم نباشدامام خمینی (ره)قبل ازانقلاب بانگارش کتاب کشف الاسرار جواب های درخوری به شبهه افکنیها ودین ستیزی احمد کسروی وحکمی زاده داد وبعدازانقلاب باتشکیل حکومت ولایت فقیه یاجمهوری اسلامی باحکم ارتداد سلمان رشدی درحقیقت از ظرفیت چندگانه تفکراسلامی شیعی بهره برد وبانگارش بیش از چهل اثر نشان دادکه ماهیت حرکت اسلام وشیعه فرهنگی است اما به تناسب زمان از ظرفیتهای موجود در مذهب برای دفاع از حریم دین میتوان بهره برد ودستورتاریخی مبنی بر شکل گیری شورای انقلاب فرهنگی هم یک اتفاق بزرگ تاریخی دراین زمینه بود که رقم خورد.امروز بخش مهمی از فضای فرهنگی معطوف به سینماست لذا فقها وفقه سیاسی با آگاهی واشراف دراین حوزه می باید با سلمان رشدی ها وکسروی های حوزه فرهنگی که لباس هنر وسینما به تن کردند مقابله نمایند و تروریستهای فرهنگی را با حرکتی جهادی خنثی کنند چنانکه شهید آوینی برای اولین بار ازدرچه حکمت به سینمانگاه کرد وبا سینمای به اصطلاح روشنفکری به جامانده از قبل انقلاب که مصداق بارزدیاثت فرهنگی است مبارزه کرد وپرده از اندیشه های امثال مخلباف کیارستمی بیضایی مهرجویی و...برداشت.یاد نواب صفوی وراه او راهی است که پیشتر صحابه ای چون ابوذر باکعب الاحبار یهودی کردند وراه را برای التقاط وارتجاع بستند اگرچه خود به غربت ربذه وشهادت تن دادند که راهی است پرافتخار ونقطه آرمانی هر مومن.

در جستجوی فلسفه

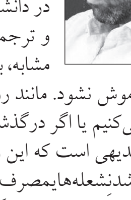

سید مهدی ناظمی قره‌باغ–انتخاب یکی از روزهای تقویم به عنوان «روز جهانی فلسفه» خود به ما می‌گوید که امروز فلسفه چیزی شده است در میان و مانند سایر چیزهای جهان. همچون مهندسی یا پزشکی؛ یا مانند معلمی شاید. فیلسوف بودن نوعی اشتغال است و فلسفه نام اشتغال برخی از افراد تحصیل‌کرده است. شغل این افراد اغلب این است که در دانشگاه‌ها یا گاهی مؤسسات مشابه به آموزش و پژوهش و تألیف و ترجمه مشغول باشند. انتخاب روزی برای فلسفه، مانند انتخاب‌های مشابه، برای این است که از یاد نبریم «فلسفه» ای هم هست یا بوده است یا باید فراموش نشود. مانند روز مادر و پدر که در آن مادر و پدر خود را با لبخندی یا شاخه گلی یاد می‌کنیم یا اگر درگذشته باشند آن شاخه گل را به مزار آن‌هامی‌بریم.

همچنین بدیهی است که این روز نیز مانند سایر روزهای مشابه، بهانه‌ای فراهم می‌آورد برای مشتعل‌تر شدنشعله‌هایمصرف‌گرایی در جامعه مصرفی. همچون روزهای دیگر، هدایایی خرید و فروش می‌شوند و اهدا می‌گردند و عناوینی بذل و بخشش و مراسمی برگزار. بنابراین روز فلسفه، بهانه‌ای است برای گرم گرفتن درباره فلسفه و مصرف کردن به این بهانه و این اتفاق، چیز بیشتری به ما نمی‌گوید. ما می‌توانیم به مناسبت این روز به هم‌صنفان خود تبریک بگوییم و لحظات شیرینی را با هم بگذرانیم.

روز جهانی فلسفه به ما نمی‌گوید چرا ما تبریک گویان و لبخندزنان، اگر فلسفه را جدی گرفته باشیم، وقتی به میز کار خود یا کلاس تدریس خود بازمی‌گردیم، براحتی همان همکاران خود را به نفهمیدن «فلسفه» متهم می‌کنیم. مگر این فلسفه، همان فلسفه‌ای نبود که برای آن بزرگداشت گرفتیم؟ پس کدام فلسفه، «فلسفه» است؟ فلسفه‌ای که یکی از زبان سقراط و دیگری از زبان نیچه و آن یکی از زبان ملاصدرا و آن یکی دیگر از زبان هیدگر بیانش می‌داریم و از راه آن بیان، در واقع می‌گوییم بسیاری از فیلسوفان، فیلسوف نیستند؟

چه بر سر روایت‌های پررنگ و پرهیبت فلسفی کلاسیک و گاهی بعد از کلاسیک آمده است که نمی‌توان بر اساس آن‌ها درباره معنای فلسفه اجماع داشت و این کدام معنای فلسفه است که به ما اجازه می‌دهد سر یک میز اجتماع کنیم و در آن، روز فلسفه را تبریک بگوییم؟

پاسخ داده‌شده را صریح‌ترمی‌کنیم: فلسفه به آن معنایی که افلاطون و ارسطو و فارابی و توماس و دکارت و کانت و هگل می‌گفتند، به درون کتاب‌هاعقب‌نشینی کرده است و از فلسفه مهم‌ترین چیزی که در حیات باقی مانده است، آن مقداری است که بکار مناسبات زندگی مصرفی–تکنیکی می‌آید و اگر هنوز باور نداریم، کافیست به انحلال پی‌درپیگروه‌های فلسفی نگاه کنیم و میزان سرمایه‌گذاری برای طرح‌های فلسفی مربوط به علوم شناختی را با میزان سرمایه‌گذاریمثلاً برای فلسفه‌های باستان مقایسه کنیم. اصلاً این یک امر بدیهی است که علی الاغلب در کشورهای مختلف، فلسفه به میزانی طرفدار دارد که به دنیای امروز و اقتضائات آن نزدیک باشد.

مگر فلسفه چه بوده است که این از فلسفه باقی مانده است؟

تلقی هر فیلسوفی از فلسفه، همان فلسفه اوست. فلسفه و تعریف آن، نسبت تفصیل و اجمال دارند و این تعریف اجمالی را از آنجا که فلسفه یا خود را اشرف علوم می‌دانست یا خود را به هر حال آزاد از آن‌هامی‌داند، نمی‌توان از جای دیگری قرض گرفت. در واقع تعریف فلسفه از هیچ جا جز خود فلسفه نیامده است و این فلسفه، یعنی این حوزهٔ به لحاظ تاریخی مطلق از قیودات حوزه‌های مشابه خود، هیچ نوع اعتبارسنجی ثانوی را برنتافته است. البته می‌توان به تلاش‌های «فلسفی» برای تعریف فلسفه، آن‌چنان که جامع همه فلسفه‌ها باشد ادامه داد، ولی باید دقت داشت که به فرض اگر روزی چنان تعریف موفقیت‌آمیزی هم خلق شد، باز تعریفی فلسفی و از درون فلسفه انجام داده‌ایم، فلسفه‌ای که جدید است و بزرگ؛این‌ها همه یعنی این که اگر چیزهایی باشند که تعریف حقیقی داشته باشند، فلسفه از آن دسته چیزها نیست.

پس چگونه می‌توان به قضاوت درباره تلقی‌های رنگارنگ از فلسفه پرداخت؟ در واقع باید چنین پرسید که چرا چنین قضاوتی مورد نیاز است و پرسش از چیستی فلسفه چه جنس پرسشی است؟ آیا پرسش ما یک پرسش صنفی است تا مثلاً به رتق‌وفتق زندگی اهل فلسفه کمک کنیم؟ آیا سؤال ما یک سؤال تاریخی است تا صفحات مبهمی را از تاریخ روشن کنیم؟ آیا پرسشی شرعی داریم تا تکلیف مکلفان درباره ارتباط با اهل فلسفه مشخص شود؟ پرسشی روانشناسی داریم تا اهل فلسفه به لحاظ سلامت روان سنجیده گردند؟ پرسشی سیاسی؟ جامعه‌شناختی؟...در واقع هر یک از پرسش‌های خود، اگرچه از الفاظ «فلسفه چیست؟» بهره برده باشند، پرسش‌هایی هستند غیر از دیگری و معمولاً هم می‌توان در خود آن رشته‌ها، راه‌هایی برای فهم معنای «کاربردی» مد نظرشان از فلسفه یافت. یک چنان پرسش‌هایی پیشاپیش حوزه‌ای متعین را برای پژوهش تئوریک یا برای کاربردی خاصی می‌گشایند که هر چند هر دو از تعاریف از قبل داده شده فلسفه هم بهره‌ایمی‌برند اما یا به صراحت ربطی به چیستی خود فلسفه ندارند و یا ما را باز با آن معنایی از آن فلسفه‌ای مرتبط می‌سازد که با تعینات زندگی انسان قبلاً قید خورده باشد.هر چند هر نوع فعالیت فلسفی برای روشن شدن معنای فلسفه هم خود بهره‌مند از تعینات زندگی است، اما نیک می‌دانیم که حداقل تلاشی صورت گرفته است تا این و آن، قیدی پیشینی برای معنای فلسفه طرح نکنند و ما که در راه پرسش از معنای فلسفه هستیم–راهی که به دلیل همین تلاش برای اطلاق از قیود زندگی عادی و فراروی از مشهورات زمانه خود راهی فلسفی است– در ضمن پرسش از چیستی فلسفه، وارد فلسفه نیز شده‌ایم.بنابراین اگر راهی برای آگاهی از چیستی فلسفه باشد، آن راه، فلسفه است و این یعنی وقوف بر دوری بودن معرفت فلسفی. در واقع فلسفه از همان آغاز که شروع به معرفی خود می‌کند، ما را در وضع تفسیری قرار می‌دهد و ما اگر با بیدار شدن از خواب زندگی روزمره، به ساحت پرسش فلسفی وارد شده باشیم، خودبخود بر وضع تفسیری خود و محدود بودن به حدود پیشینی معرفت، آگاه شده‌ایم.پرسش از چیستی فلسفه، در نظر به حدی نهایی آن، همواره درگیر شدن با پرسش اساسی فلسفه نیز بوده است. هرگاه فلسفه به شکل گفتگو، به شکل علم به موجود بماهو موجود، تشبه به خدا، علم به حدود معرفت، علم تاریخی روان، علم به ماهیت زبان، خلق مفاهیم و... طرح می‌شود، همزمان در حال بیان دو چیز است. از سویی می‌گوید که مسأله اصلی فلسفه در تاریخ حاضر چیست و از سویی می‌گوید تاریخ اکنون، خود، چیست. فلسفه از آنجا که فراروی از زندگی روزمره است، می‌تواند تاریخ ضروری انسان را به سره‌ترین شکل ممکن بیان کند و بنابراین اگر فلسفه را فی‌المثل زمانی علم به موجود بماهو موجود خوانده‌ایم، در آن زمان به نوعی محور تاریخ زندگی مردمان را نیز بیان داشته‌ایم. صد البته که هر دوی این‌ها در بررسی تفصیلی خود را نشان می‌دهند و همچنان که معنای علم به موجود باید در درس و بحث روشن شود و تفصیل یابد، معنای نگاه کلی زندگی انسان تاریخی نیز به راحتی تن به شناخته شدن نمی‌دهد و نیاز دارد تا در آمدوشد بین فلسفه و زندگی، روشنایی یابد. اما به هر حال هر چه هست می‌دانیم که فلسفه نیز تاریخی داشته است مانند انسان و هر دوی این‌ها با هم تاریخی بودند و هستند.

همچنان که هر فیلسوف نامدار و مؤسسیدر تاریخ، معنایی نابهنگام از فلسفه طرح می‌کند و چون آن معنا در جای خود نشست، معنایی کمابیش بدیهی از فلسفه تلقی می‌شود، در تاریخ ما نیز معنای فلسفه و معنای بن‌مایه‌های حیات ما به یکدیگر گره خورده است. آخرین فیلسوف بزرگ زمان ما یعنی هگل، سترگ‌ترین معنا را از فلسفه مدرن و به نوعی از روح زندگی انسان مدرن بیان کرد.اما این تحول معنایی، هر چند بزرگ‌ترین پایگاه را در قیاس با سایران برخوردار است، اما معنای فلسفه در تاریخ معاصر ما نیست. نه تاریخ فلسفه دقیقاً چنانچه هگل می‌پنداشت پیش رفت و نه زندگی انسان. نه عقل تمامیت یافت و نه روایت‌های فلسفی یکسان ماند. بنابراین پرسش از معنای فلسفه و همبسته آن یعنی پرسش از معنای زندگی انسان، نیاز به طرح مجدد دارد.روح ثابتی که در پرسش از معنای امروزی فلسفه باید آن را جست چیست؟ در روایت‌های متعدد و متنوع امروزی که از مدعیان مرگ فلسفه تا مدعیان جزمی‌ترینفلسفه‌های باستان را دربرمی‌گیرد، چه معنایی از فلسفه می‌توان مشترک دید؟ به نظر می‌رسد تنها امر مشترک در بین روایت‌های فلسفی امروز، «فقدان اشتراک» باشد. این گرایش به فقدان یا نفی، که فراتر از صرف یک رانه است، نشانگر فقدانی بزرگ در فرهنگ یا به عبارت دیگر، «نه گویی» بزرگ در تاریخ انسان است. انسان مدرن امروز تنها با پرسش از تاریخ خود یا با پرسش از معنای فلسفه مدرن رودررو نیست، بلکه با پرسش از همه معانی ممکن از فلسفه رودرروست یا به بیان دیگر با پرسش از همه امکانات حیات روبروست. مهیب بودن این نوع مواجهه با پرسش از فلسفه، اختصاص به زمان ما دارد. در هیچ‌یک از زمان‌های مشابه تاریخی، (رنسانس، دوره جنگ جهانی دوم، قرن چهار و هشت هجری در ایران، سقوط رم و...) فلسفه در کلیت خود و اساس زندگی در کلیت خود با پرسشی چنینمحوکننده روبرو نبود. این برای اولین بار است که فلسفه بماهو فلسفه هیچ اشتراکی جز نفی نشان نمی‌دهد و هنوز هیچ امکان امیدوارکننده‌ای برای نجات فلسفه،خود را نشان نداده است. این فقدان معنا برای فلسفه و فقدان معنا برای اساس حیات انسان، گشتی بزرگ در تاریخ است که اگر لابد باشیم برای مقایسه آن در تاریخ شاید بتوان «تا حدی» آن را با زمان ظهور فلسفه در یونان باستان مقایسه کرد. زمانی که پس از جنگ‌های مهیب بین یونانیان و از بین رفتن بسیاری از همبستگی‌ها و در زیر سایه تهدید امپراتوری هخامنشی، فلسفه از دل همان فرهنگ موجود متولد شد و تفکر و زبان و زندگی و تاریخ ما را تا به امروز متأثر ساخت.امروز هم زبان و زندگی و تاریخ و تفکر ما تهدید می‌شود، اما این، تهدیدِ چیز خاصی نیست، چرا که چیز «دیگری» وجود ندارد. هر چیز دیگری که به نظر برسد هست، خود تهدید می‌شود و چیزی برای نجات از تهدید هم نمی‌توان یافت. بنابراین شایسته است پرسش اصلی امروز فلسفه پرسش از همین فقدان اشتراک و تهدید همه امکانات قرار گیرد. باید پرسید این وضع چگونه وضعی است که هر نوع روایت سنتی یا جدید، توان خود را برای زایش حیات از دست داده است و انسان در وضعی بدون تعین تاریخی غنی و بدون تعین زبانی شفافی صرفاً به روباتی مصرف‌کننده و مصرف شونده مبدل شده است و حتی امکان فکر کردن به همین وضع خود را نیز روزبه‌روز بیشتر از دست می‌دهد.بنابراین پرسش از نهیلیسم، پرسش اصلی فلسفه امروز است و هر پرسش دیگری در وضع امروز ما فرع بر این پرسش قرار می‌گیرد.

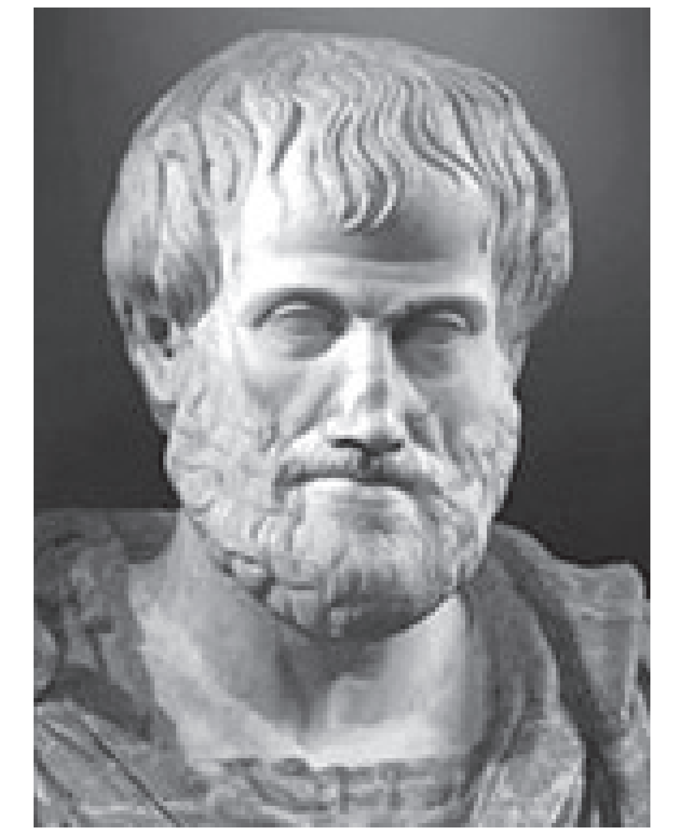

آخرین مرد مقاوم

برای ریموند آرون

خبر مسرت بخشی که در نمایشگاه کتاب شنیدم این بود که قرار است بزودی شاهکار جامعه شناس کبیر فرانسوی «ریمون آرون» با عنوان افیون روشنفکران (The opium of the intellectuals) توسط انتشارات فرهنگ جاوید روانه بازار نشر شود.فضای آکادمیک – روشنفکری فرانسه در قیاس با سایر جوامع غربی همیشه بیشترین تاثیر را بر علوم انسانی ایران خصوصا جامعه شناسی داشته . تقریبا تمامی بنیان گذاران جامعه شناسی و جامعه شناسان نسل اول و دوم در ایران دهه های ۳۰ تا ۵۰ شمسی فارغ التحصیل فرانسه بودند . آرون برخلاف عمدهٔ روشنفکران فرانسوی از سارتر و دلوز گرفته و دریدا تا فوکو که در ایران مریدان سخت متعصب داشته و دارند نامی مهجور است و تنها کتاب « زندگی ونظریات بزرگان جامعه شناسی» وی سال های پیش احتمالا اواخر دههٔ ٦۰ شمسی توسط باقر پرهام به فارسی ترجمه شد.آرون در خود فرانسه و در آن فضای وهم زده پست مدرنی دهه های ٦۰ و ۷۰ که جای ایدئولوژی و آکادمی با هم عوض شده بود و پرخاش جویی و ستیزه جویی های پست مدرن مآب سراسر فضای آکادمیک فرانسه از سوربن تا کُلِژ دو فرانس را در می نوردید ، نیز تنها بود که یک تنه در مقابل این سیل آب پر هیاهو اما کم عمق ایستاد و هیچ ابایی نداشت تا در آن اسنوبیسم مشمئز کننده، یک تنه از عصر روشنگری دفاع کند و اهمیت نهاد های اجتماعی را یاد آور شود در می ٦۸ که امثال سارتر ها بر موج ها سوار می شدند، آرون یک تنه افسار تین ایْجر های هزیان گوی جفتک پران را کشید و یادآوری کرد که نهاد مهمترین ساخت اجتماعی است.بدون شک آرون هیچگاه نمی توانست چون سارتر و فوکو سلبرتی محبوب تین ایجر های علفی و چپ های خشک مغز باشد. آرون یک کوه تنها بود. وی همیشه به یادآور می شد که جامعه‌شناسی یک علم است نه یک ایدئولوژی، با ویران کردن چیزی نمی‌توان چیز دیگری ساخت و ما همیشه «روی شانه غول‌ها ایستاده‌ایم».اعتبار وی بیش از آنکه از نظریاتش در روابط بین الملل و جامعه شناسی باشد مدیون منش و شخصیت وی است که در بحرانی ترین شرایط وظیفه اصلی روشنفکری را فراموش نکرد و بر راه درست در زمانی که همه دارند راه اشباه را می روند تأکید و بر آن پافشاری کرد و دوره ای که چپ زدگی سکه رایج دوران بود از پیچیدن به راست هراسی نداشت، شجاعت و تنهایی مثال زدنی که در نمونه های آکادمسین های فرانکوفیل وطنی کمتر یافت می شود، آرون آخرین مردم مقاوم بود

روزی برای محمودعبادیان

در آذرماه امسال شب دکتر محمود عبادیان در محل کانون زبان پارسی و با حضور دوستان، دوستداران، دانشجویان سابق و همکاران فرهیخته ایشان از دانشگاه‌های مختلف کشور و با سخنرانی دکتر اصغر دادبه، دکتر شیوا دولت‌آبادی، دکتر فرهاد طهماسبی، دکتر بهرام پروین، دکتر فریبا افکاری و حمیدرضا اسلامی و قرائت شعر مختار فیلی برگزار گردید. شادروان محمود عبادیان(۱۳۰۷–۱۳۹۲ شمسی) از استادان کم‌نظیر فلسفه و ادبیات در دانشگاه علامه طباطبایی و مفید قم بود. او بخش مهمی از زندگی خود را به دنبال کشف حقیقت و علم در کشورهای مختلف دنیا سپری کرد و در مقاطعی از زندگی در فعالیت‌های سیاسی در سطوح مختلف شرکت فعال داشت. محمود عبادیان پس از کودتای ۲۸ مرداد ناچار به ترک ایران شد و از آن به بعد در کشورهای چکسلواکی(سابق+)، چین، آلمان شرقی، فرانسه و آلمان غربی به تحصیل و تدریس در زمینه فلسفه و زیبایی‌شناسی هنر و نیز زبان‌های باستانی ایران (و به طور خاص اوستایی) پرداخت. او در پاییز سال ۵۷، چند ماهی پیش از وقوع انقلاب به رغم خطر به ایران بازگشت و پس از انقلاب در مجموعه‌ای که بعدها نام دانشگاه علامه طباطبایی را به خود گرفت، مشغول کار شد.دکتر عبادیان طی سال‌های پس از بازگشت به ایران به تألیف و ترجمه آثار بسیار مهم و تأثیرگذاری در حوزه ادبیات و فلسفه همت گماشت. درآمدی بر ادبیات معاصر ایران (مروارید، ۱۳۸۷)، تکوین غزل و نقش سعدی: مقدمه‌ای بر مبانی جامعه شناختی و زیباشناختی غزل فارسی و غزلیات سعدی(اختران، ۱۳۸۴)، فردوسی، سنت و نوآوری در حماسه سرایی (مباحثی از ادبیات تطبیقی)، (مروارید، ۱۳۸۷)، آنچه خوبان همه دارند (اعتلای ابعاد شعر کلاسیک در غزل حافظ)، درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، از جمله کتاب‌های مهم او در حوزه ادبیات و ترجمه سقراط اثر گوتفرید مارتین، ترجمه «سقراط: آگاهی از جهل» اثر یان پاتوچکا، گزیده زیباشناسی هگل، کتاب آزادی و دولت فرزانگی: نامه‌هایی در تربیت زیباشناختی انسان(از شیلر)، کتاب دیالکتیک انضمامی بودن: بررسی در مسئله انسان و جهان، کارل کوسیک، (قطره، ۱۳۸٦)، مقدمه هگل بر پدیدارشناسی روح و زیباشناسی، (علم، ۱۳۸۷)، ویراستاری بخشی از تاریخ تمدن(قیصر و مسیح)، ترجمه «هگل جوان: در تکاپوی کشف دیالکتیک نظری» اثر میلان زنوی، ترجمه رساله دکترای فلسفه مارکس با مشارکت حسن قاضی‌مرادی (۱۳۸۱ اختران) ، ترجمه «نقد فلسفه حق هگل» کارل مارکس با مشارکت حسن قاضی‌مرادی، از جمله آثار و ترجمه‌های گرانقدر او در حوزه فلسفه و تفکر است. دکتر عبادیان همچنین نخستین مترجم متن دشوار «رساله منطقی–فلسفی» لودویگ ویتگنشتاین(۱۳٦۹) به فارسی است. بیش و پیش از این‌ها شادروان عبادیان از جهت خصایل انسانی تحسین‌برانگیز و روش تدریس خاص و خلاق، محبوب دانشجویان و اطرافیان خود بود.

یادداشت

نقدی بر ترجمه سید مسعود حسینی

حامد صفاریان

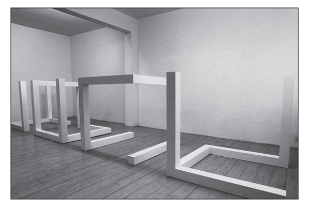

جناب آقای سید مسعود حسینی، اخیراً کتابی از فیخته را از انگلیسی به فارسی برگردانده‌اند که عنوان آن را در فارسی چنین کرده‌اند: «بنیاد آموزهٔ فراگیر دانش». بررسی این ترجمه، دقّت و کیفیت آن، نیز میزان تطابق آن با اصل آلمانی و مهم‌تر از همه، کیفیت فهم مترجم از متن و در نهایت، بطور کلی بررسی معضل برگردان متون ایدئالیسم آلمانی با استفاده از ترجمه‌های انگلیسی مجالی دیگر می‌طلبد. من در اینجا مایلم صرفاً ترجمهٔ عنوان اثر از به «بنیاد آموزهٔ فراگیر دانش» را نقد کنم.

واژهٔ Wissenschaft در اینجا به چه معناست؟

در سنت ایدئالیسم آلمانی، ترجمهٔ Wissenschaft به «دانش» وافی به مقصود نیست. «دانش» در بهترین حالت (و بنابر ترجمهٔ کسانی که درکی درست از مفاهیم این سنت دارند) ترجمهٔ Wissen است. این واژه حالت اسمی یا اسم‌شدهٔ (Substantiv) مصدر فعل wissen به معنای دانستن است. واژهٔ Wissenschaft اگرچه از ریشهٔ wissen است و در زبان متعارف نیز در موارد معدودی در همان معنا بکار می‌رود –مثلاً می‌گویند فلانی در فلان زمینه Wissenschaft دارد که در اصل به این معناست که فلانی در فلان زمینه صاحب نظر و دارای دانش است– اما این مفهوم را در سنت ایدئالیسم آلمانی بهتر است به «علم» ترجمه کرد و نه به «دانش». فرق دانش و علم در این نکته نهفته است: دانش مفهومی است که در تضاد با مفهوم «باور» یا «ایمان» قرار دارد؛ در این معنا، «ایمان» از آنرو در نسبتی با حقیقت قرار می‌گیرد که یک اتوریتهٔ بیرونی تصدیق و تضمین آن را برعهده گرفته است و این اتوریته یا مرجعیت بیرونی تبدیل به منبع یقین درونی به حقیقت و درستی یک امر است. اکثر باورهای دینی از این جمله هستند اما هر ایمان و باوری لزوماً دینی نیست. در مقابل «باور» یا «ایمان»، «دانش» در معنای فلسفی آن، حقیقت خود را بگونه‌ای دیگر و نه بر مبنای مرجعیت یا نقل بلکه بر اساس عقل اثبات می‌کند. فلسفه از آنرو فسلفه است که بر عقلانیت اصرار دارد. در این معنا، فلسفه نمی‌تواند و نباید بر پایهٔ ایمان بنا شود بلکه فقط می‌تواند بر پایهٔ دانش بنا گردد. اما دانش صرف نیز اگرچه منشأ فلسفه است اما باز برآورندهٔ حقیقت نیست –باید توجه داشت که صدق را نباید با حقیقت خلط کرد– دانش برای این که بتواند در نسبتی با حقیقت قرار گیرد ناگزیر [illegible]

ادامه دارد